

بخش اول: فعل

اقسام فعل: ماضی، مضارع، امر

انواع ماضی:

۱. ماضی ساده: ۱۴ صیغه دارد که باید قبل از هر نوع فعلی آنها را یاد بگیریم.

صرف فعل ماضی ساده

جمع	مثنی	مفرد	
هُم دَهَبُوا: آن (مردان) رفتند هُنَّ دَهَبْنَ: آن (زنان) رفتند	هُمَا دَهَبَا: آن (دو مرد) رفتند هُمَا دَهَبَتَا: آن (دو زن) رفتند	مذکر: هُوَ دَهَبَ: او (مرد) رفت مؤنث: هِيَ دَهَبَتْ: او (زن) رفت	غایب
أَنْتُمْ دَهَبْتُمْ: شما (مردان) رفتید أَنْتُنَّ دَهَبْتُنَّ: شما (زنان) رفتید	أَنْتُمَا دَهَبْتُمَا: شما (دو مرد) رفتید أَنْتُمَا دَهَبْتُمَا: شما (دو زن) رفتید	مذکر: أَنْتَ دَهَبْتَ: تو (مرد) رفتی مؤنث: أَنْتِ دَهَبْتِ: تو (زن) رفتی	مخاطب
مع الغیر: نَحْنُ دَهَبْنَا: ما رفتیم		وحده: أَنَا دَهَبْتُ: من رفتم	متکلم

۲. ماضی منفی: ما «نفی - نافية» + فعل ماضی ساده

ترجمه: نَد + ترجمه ماضی ساده

مثال: ما كَتَبَ ← ننوشت ما ضَرَبَ ← نزد ما نَصَرَ ← یاری نکرد

«صرف فعل ماضی منفی»


جمع	مثنی	مفرد	
ما دَهَبُوا: نرفتند ما دَهَبْنَ: نرفتند	ما دَهَبَا: نرفتند ما دَهَبَتَا: نرفتند	مذکر: ما دَهَبَ: نرفت مؤنث: ما دَهَبَتْ: نرفت	غایب
ما دَهَبْتُمْ: نرفتید ما دَهَبْتُنَّ: نرفتید	ما دَهَبْتُمَا: نرفتید ما دَهَبْتُمَا: نرفتید	مذکر: ما دَهَبْتَ: نرفتی مؤنث: ما دَهَبْتِ: نرفتی	مخاطب
مع الغیر: نَحْنُ ما دَهَبْنَا: نرفتیم		وحده: أَنَا ما دَهَبْتُ: نرفتم	متکلم

ترجمه: ترجمه ماضی ساده + ه + شناسه فعل

ایم	ام
اید	ای
اند	است

«صرف فعل ماضی نقلی»

جمع	مثنی	مفرد	
قَدْ دَهَبُوا: رفته اند قَدْ دَهَبْنَ: رفته اند	قَدْ دَهَبَا: رفته اند قَدْ دَهَبَتَا: رفته اند	مذکر: قَدْ دَهَبَ: رفته است مؤنث: قَدْ دَهَبَتْ: رفته است	غایب
قَدْ دَهَبْتُمْ: رفته اید قَدْ دَهَبْتُنَّ: رفته اید	قَدْ دَهَبْتُمَا: رفته اید قَدْ دَهَبْتُمَا: رفته اید	مذکر: قَدْ دَهَبْتَ: رفته ایی مؤنث: قَدْ دَهَبْتِ: رفته ای	مخاطب
مع الغیر: قَدْ دَهَبْنَا: رفته ایم		وحده: قَدْ دَهَبْتُ: رفته ام	متکلم


ممکن است ماضی نقلی و ماضی ساده مثل هم ترجمه شوند. 


ماضی ساده: كَتَبَ ← نوشت، نوشته است، نوشته

ماضی نقلی: قَدْ كَتَبَ ← نوشته است، نوشت، نوشته

یادآوری: صرف فعل كَانْ 


جمع	مثنی	مفرد	
كانوا: بودند كُنُّ: بودند	كانا: بودند كانتا: بودند	مذکر: كَانْ: بود مؤنث: كَانَتْ: بود	غایب
كُنْتُمْ: بودید كُنْتُنَّ: بودید	كُنْتُمَا: بودید كُنْتُمَا: بودید	مذکر: كُنْتَ: بودی مؤنث: كُنْتِ: بودی	مخاطب
مع الغیر: كُنَّا: بودیم		وحده: كُنْتُ: بودم	متکلم

كانَ یک فعل ماضی است بنابراین مثل سایر ماضی ها صرف می شود. 

در صیغه ۶ به بعد در فعل كَانْ الف آن حذف می شود و به جایش ضمه ِ می آید. 

۴. ماضی بعید: صرف فعل «کَانَ» + قَدْ + فعل ماضی هم صیغه با «کَانَ»

بودیم	بودم	ترجمه: ترجمه ماضی ساده + ه + صرف فعل
بودید	بودی	
بودند	بود	

آوردن قَدْ در ماضی بعید ضروری نیست! 

کَانَ قَدْ کَتَبَ = کَانَ کَتَبَ ← نوشته بود

«صرف فعل ماضی بعید»

جمع	مثنی	مفرد	
کانوا قَدْ دَهَبُوا: رفته بودند کُنَّ قَدْ دَهَبْنَ: رفته بودند	کانا قَدْ دَهَبَا: رفته بودند کانتا قَدْ دَهَبتا: رفته بودند	مذکر: کَانَ قَدْ دَهَبَ: رفته بود مؤنث: کانت قَدْ دَهَبَتْ: رفته بود	غایب
کُنْتُمْ قَدْ دَهَبْتُمْ: رفته بودید کُنْتُنَّ قَدْ دَهَبْتُنَّ: رفته بودید	کُنْتُمَا قَدْ دَهَبْتُمَا: رفته بودید کُنْتُمَا قَدْ دَهَبْتُمَا: رفته بودید	مذکر: کُنْتَ قَدْ دَهَبْتَ: رفته بودی مؤنث: کُنْتِ قَدْ دَهَبْتِ: رفته بودی	مخاطب
مع الغیر: کُنَّا قَدْ دَهَبْنَا: رفته بودیم		وحده: کُنْتُ قَدْ دَهَبْتُ: رفته بودم	متکلم

۵. ماضی استمراری: صرف فعل «کَانَ» + فعل مضارع هم صیغه با «کَانَ»

ترجمه: می + ترجمه ماضی ساده

کَانَ یَكْتُبُ: می نوشت

«صرف فعل ماضی استمراری»

جمع	مثنی	مفرد	
کانوا یَدَهَبُونَ: می رفتند کُنَّ یَدَهَبْنَ: می رفتند	کانا یَدَهَبَانِ: می رفتند کانتا تَدَهَبَانِ: می رفتند	مذکر: کَانَ یَدَهَبُ: می رفت مؤنث: کانت تَدَهَبُ: می رفت	غایب
کُنْتُمْ تَدَهَبُونَ: می رفتید کُنْتُنَّ تَدَهَبْنَ: می رفتید	کُنْتُمَا تَدَهَبَانِ: می رفتید کُنْتُمَا تَدَهَبَانِ: می رفتید	مذکر: کُنْتَ تَدَهَبُ: می رفتی مؤنث: کُنْتِ تَدَهَبِينَ: می رفتی	مخاطب
مع الغیر: کُنَّا نَدَهَبُ: می رفتیم		وحده: کُنْتُ أَدَهَبُ: می رفتم	متکلم

ماضی استمراری و مضارع ساده هر دو با می شروع می شوند. 

(مثال)

۱. مضارع ساده (اخباری): مثل فعل های ماضی دارای ۱۴ صیغه است.

«صرف فعل مضارع ساده»

جمع	مثنی	مفرد	
هُم يَدْهَبُونَ: می روند هُنَّ يَدْهَبْنَ: می روند	هُمَا يَدْهَبَانِ: می روند هُمَا تَدْهَبَانِ: می روند	مذکر: هُوَ يَدْهَبُ: می رود مؤنث: هِيَ تَدْهَبُ: می رود	غایب
أَنْتُمْ تَدْهَبُونَ: می روید أَنْتُنَّ تَدْهَبْنَ: می روید	أَنْتُمَا تَدْهَبَانِ: می روید أَنْتُمَا تَدْهَبَانِ: می روید	مذکر: أَنْتَ تَدْهَبُ: می روی مؤنث: أَنْتِ تَدْهَبِينَ: می روی	مخاطب
مع الغیر: نَحْنُ نَدْهَبُ: می رویم		وحده: أَنَا أَدْهَبُ: می روم	متکلم

نکات: 

۱. صیغه های فعل مضارع با حروف «ت، ی، ن، ا» که در ابتدای آنها می آید ساخته می شوند.
۲. علامت آخر صیغه های مضارع ساده یا ضمه «ـَ» است یا «ن».
۳. صیغه ۶ (جمع مؤنث غایب) خلاف جریان بازی عمل می کند و اولش «ی» می گیرد.
۴. صیغه های ۴ و ۷ مضارع دقیقا مثل هم اند. و از ضمیرشان می توانیم آنها را تشخیص دهیم.
۵. صیغه های ۵، ۸ و ۱۱ مثل هم اند. با این تفاوت که ضمیر صیغه ی ۵ متفاوت از دوتای دیگر است.
۶. در فعل مضارع، همه صیغه های مخاطب با «ت» شروع می شوند.
۷. تنها صیغه ای که آخرش «ین» می گیرد صیغه ۱۰ یا همان مفرد مؤنث مخاطب است.
۸. «أ» و «ن» در ابتدای فعل های مضارع فقط یک جا می آیند (۱۳ و ۱۴). ولی «ی» و «ت» چند بار تکرار شده اند.

۲. مضارع منفی: لا «نفی» + فعل مضارع ساده بدون تغییر

مثال (یکتُبُ (می نویسد) ← لا یکتُبُ (نمی نویسد)

جمع	مثنی	مفرد	
لا يَدْهَبُونَ: نمی روند لا يَدْهَبْنَ: نمی روند	لا يَدْهَبَانِ: نمی روند لا تَدْهَبَانِ: نمی روند	مذکر: لا يَدْهَبُ: نمی رود مؤنث: لا تَدْهَبُ: نمی رود	غایب
لا تَدْهَبُونَ: نمی روید لا تَدْهَبْنَ: نمی روید	لا تَدْهَبَانِ: نمی روید لا تَدْهَبَانِ: نمی روید	مذکر: لا تَدْهَبُ: نمی روی مؤنث: لا تَدْهَبِينَ: نمی روی	مخاطب
مع الغیر: لا نَدْهَبُ: نمی رویم		وحده: لا أَدْهَبُ: نمی روم	متکلم



این فعل دستور منفی می دهد که همان بازدارندگی است. اما مضارع منفی فقط معنا را منفی می کند. بازدارندگی در کار نیست!

چطور فعل مضارع را مجزوم کنیم؟


- اگر آخر فعل مضارع علامت ضمه «َ» باشد ← به جای آن علامت ساکن «ْ» می گذاریم

مثال: تَكْتُبُ (می نویسی) ← لا تَكْتُبْ (نویس)

- اگر آخر فعل مضارع «ن» باشد ← آن را حذف می کنیم مگر صیغه ۶ و ۱۲ که نون آنها حذف نمی شود.

مثال: تَكْتُبُونَ (می نویسید) ← لا تَكْتُبُوا (نویسید)

لا تَذْهَبُوا: نروید	لا تَذْهَبَا: نروید	مذکر: لا تَذْهَبْ: نرو
لا تَذْهَبْنَ: نروید	لا تَذْهَبَا: نروید	مؤنث: لا تَذْهَبِي: نرو


فعل مضارع منفی و فعل نهی در صیغه ۶ (غائب جمع مؤنث) و ۱۲ (مخاطب جمع مؤنث) از نظر شکل یکسان اند (هر دو با «لا» می آیند و آخرشان «نَ» دارد). 

✓ برای تشخیص اینکه مضارع منفی است یا نهی، باید جمله را با دقت ترجمه کنیم.

لِمَاذَا لَا تَكْتُبْنَ وَاجِبَاتِكُنَّ؟

الف) چرا تکالیفتان را نمی نویسید؟

ب) چرا تکالیفتان را ننویسید؟

هرگاه فعلی که آخرش ساکن است، قبل از یک اسم "ال دار" قرار بگیرد، برای راحتی تلفظ، آن ساکن تبدیل به کسره ای می شود که به آن "کسره عارضی" می گویند. چنین فعلی مجزوم است. 

✓ لا تَلْعَبِ الْكَرَةَ فِي الصَّفِّ.

یعنی: توی کلاس توپ بازی نکن.